



ابن‌سینا؛ اولین دایره‌المعارف‌نویس تاریخ علم / فیلسوفی که تفسیر قرآن نوشت

استاد موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ضمن اشاره‌ای گذرا به شرح حال ابن‌سینا گفت: ابن‌سینا اولین فیلسوفی است که تفسیر قرآن نوشته و این تفسیرها را براساس فکر فلسفی نوشته است.

استاد موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ضمن اشاره‌ای گذرا به شرح حال ابن‌سینا گفت: ابن‌سینا اولین فیلسوفی است که تفسیر قرآن نوشته و این تفسیرها را براساس فکر فلسفی نوشته است.

به گزارش ایکننا، نشست «ما و میراث فکری ابن‌سینا» با حضور سیدمحمود یوسف‌ثانی؛ عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ۳۰ مردادماه در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید؛

من عرایضم را در سه بخش تقدیم می‌کنم؛ ابتدا مرور مختصری بر احوال ابن‌سینا خواهم داشت، بعد مختصری درباره آثار ابن‌سینا توضیح می‌دهم و در نهایت گزارشی از پروژه فکری ایشان ارائه خواهم داد.

شاید در این روزگار برخی بگویند به ابن‌سینا چه کار داریم و ابن‌سینا برای ما چه فایده‌ای دارد. اگر این «ما» را محدود و مضیق معنا کنیم شاید فایده‌ای نداشته باشد ولی اگر این ما را موسع معنا کنیم و خودمان را یک فردی که در شرایط خاص فرهنگی و تاریخی قرار دارد و پیشینه فرهنگی دارد در نظر بگیریم و همچنین برای «فایده» معنای دقیق‌تری در نظر بگیریم می‌توان گفت ابن‌سینا برایمان فایده دارد و می‌توان از میراث او در این فرهنگ غنی بهره برد.

ابن‌سینا در ۲۵ سال آخر عمرش در شهر جرجان با شخصی مواجه می‌شود و تمام شرح حال خود را به او می‌گوید. بر اساس همان گزارشی که از زبان خود ابن‌سینا داریم شیخ در یکی از روستاهای اطراف بخارا به دنیا آمده، پدرش از عمال دیوانی دستگاه حکومت بوده است. شیخ تحصیلاتش را در بخارا شروع می‌کند. ابتدائاً قرآن و ادبیات می‌خواند و از یک سبزی‌فروش در محل خودشان حساب یاد می‌گیرد و کم‌کم وارد آموختن علوم دیگر می‌شود تا اینکه یک شخصی به نام ابو عبدالله ناتلی پیدا می‌شود که به شیخ، فلسفه ارسطو درس می‌دهد و قدری از منطق را نزد ابو عبدالله می‌خواند. خودش می‌گوید آنقدر در حفظ علوم خوب بودم که مردم از استعداد من تعجب می‌کردند. در عین حال در همین زمان فقه هم می‌خواند به حدی که می‌گوید کار فقه نقض و ابرام می‌کردم و در مناظرات فقهی مسلط شده بودم. طب را به صورت خودخوان یاد گرفت

ایشان می‌گویند بعد از اینکه این علوم را خواندم به مطالعه طب پرداختم و طب علم راحتی است. از این بیان می‌شود فهمید شیخ، طب را هم به صورت خودخوان یاد گرفته و از استادی فرانگرفته است. ایشان می‌گویند تا حدود ۱۶ سالگی این علوم را خواندم و بعد از آن یک سال و نیم به مطالعه فلسفه به نحو عمیق و بر اساس چپ‌نشین استدلال‌های اهل فلسفه پرداختم و یکی یکی مدعیات آنها را بررسی کردم. جالب است ایشان می‌گویند کثیری از مسائل در خواب برای من حل می‌شد. ایشان می‌گویند در سن هجده سالگی از همه علوم فارغ شدم. در همین زمان است که ایشان در طب اجتهاد پیدا می‌کند و شاه را معالجه می‌کند و به او تقرب پیدا می‌کند و بر اساس آن از کتابخانه سامانیان استفاده می‌کند و کمال استفاده را از کتابخانه سامانی می‌برد. باز در آخر همین دوره کتاب الهیات مابعدالطبیعه ارسطو را می‌بیند و نمی‌تواند بفهمد. بعد به بازار می‌رود و کتاب فارابی را می‌خرد و بر اساس مطالعه این کتاب، ابواب کتاب الهیات مابعدالطبیعه بر او گشوده می‌شود.

در حدود ۲۱ سالگی پدرش فوت می‌کند و به ایشان مراجعات شغلی می‌شود و مدتی شغل دیوانی بر عهده می‌گیرد ولی بر اساس ضرورت‌هایی از بخارا خارج می‌شود و به سمت خوارزم می‌رود. ایشان مدتی آنجا است و آثاری را در همان مدت پدید می‌آورد.

ابن‌سینا تا وقتی در بخارا هست چند کتاب می‌نویسد. شاید اولین کتاب او رساله‌ای در باب علم النفس باشد. ابن‌سینا در بخارا همسایه‌ای داشت که از او می‌خواهد کتابی در علوم فلسفی برایش تألیف کند و ایشان هم کتاب حاصل و المحصول را می‌نویسد. این کتاب امروز در اختیار ما نیست و خیلی جای تأسف دارد برای اینکه شیخ در آثار بعدی خودش مکرر می‌گوید این مطلب را در آن کتاب توضیح دادم. ایشان همسایه دیگری هم داشت که از ابن‌سینا کتاب خواست و ایشان کتاب «الحکمه العروصیه» را می‌نویسد.

ایشان در خوارزم در درگاه علی بن مامون حاضر می‌شود و در آنجا شیخ را به اعتبار فقیه بودن می‌شناختند. ابن‌سینا چند

سالی در آنجا بوده است. در این مدت خیلی روشن نیست چه کتاب‌هایی نوشته چون در شرح حال‌های ایشان اطلاعات دقیقی در این زمینه وجود ندارد. در سال ۴۰۲ مسائلی پیش می‌آید و ایشان به شهر جرجان می‌رود. در شهر جرجان که شهری نزدیکی گرگان بوده، جوزجانی به او ملحق می‌شود و تا سال وفات شیخ جوزجانی با او همراه می‌شود. شیخ برخی کتاب‌هایش را فقط املا می‌کرده

این سینا در جرجان چند کتاب می‌نویسد؛ یکی از آنها کتاب «المبدا و المعاد» است. جوزجانی می‌گوید از ابن سینا خواستم کتابی درباره منطق برایم املا کند و ایشان مختصر الاوسط را برای من املا کرد. شیخ برخی کتاب‌هایش را نمی‌نوشته و فقط می‌گفته و متن این کتاب‌ها به اندازه کتاب‌های نوشته او اهمیت دارد. خیلی عجیب است کسی اینقدر فوران فکری داشته باشد که با حرف زدن بزرگترین آثار فلسفه و منطق و الهیات را پدید آورد. ایشان در همین شهر جرجان شروع به نوشتن کتاب قانون می‌کند.

او چندی بعد به ری سفر می‌کند و در درگاه مجد الدوله حاضر می‌شود. اصولاً شیخ به دربارهایی می‌رفت که دو خصوصیت داشتند یکی اینکه از اهل علم استقبال کنند، دوم اینکه تعصب مذهبی نداشته باشند. ایشان در ری که آن روز منطقه وسیعی بوده است، رساله فی احوال النفس را می‌نویسد که رساله مهمی است.

ایشان باز ری را ترک می‌کند و به همدان به دربار شمس الدوله می‌رود و در آنجا به پادشاه نزدیکی پیدا می‌کند. در آنجا وزارت را بر عهده می‌گیرد ولی بعداً لشکریان به او بدبین می‌شوند و از شاه می‌خواهند شیخ را از بین ببرند ولی او شیخ را دستگیر می‌کند و بعد از چهارماه از زندان بیرون می‌آید و مخفیانه به اصفهان می‌رود. ایشان در زمان زندان چند رساله مهم می‌نویسد از جمله رساله حی بن یقظان. در اصفهان هم دانشنامه علانی و برخی آثار دیگر را تالیف می‌کند. نهایتاً ایشان در یکی از سفرها مریض می‌شود و در سن ۵۷ سالگی از دنیا می‌رود. ابن سینا یکی از آیات علم الهی در عالم بود

ارسطو بیست سال شاگرد افلاطون بود ولی شیخ هیچ استادی نداشت و یکی از آیات علم الهی در عالم بود که در هر حالتی فوران علمی داشت و آثاری از خود بر جای می‌گذاشت که بسیاری از آنها به دست ما نرسیده است. یکی از ویژگی‌های شخصی ابن سینا این بوده که خیلی قوی القوا بود. معمولاً اهل علم جسم قوی ندارند، اما شیخ قوت جسمانی اش زیاد بود.

درباره آثارش چند نکته عرض کنم؛ می‌گویند ابن سینا اولین کسی است که علوم را به صورت دایره المعارفی عرضه کرده است. این کار چه خاصیتی داشته است و چه بهره برداری از علم دایره المعارفی می‌شده را عرض می‌کنم ولی در هر صورت ایشان اولین کسی است که این کار را کرده و کتب دایره المعارفی نوشته است. از مهمترین امور در این دایره المعارف‌ها این است نکته‌ها و مسائلی که مبتلابه روز جامعه اسلامی بوده در این کتاب‌ها محل بحث واقع شده است. اتفاقاً ما هم امروز به برخی از آنها مبتلا هستیم.

ایشان غیر از اینکه در این دایره المعارف‌ها جهان بینی منسجم علمی را عرضه می‌کرده است این کتب جامع به واسطه دربرگرفتن شعب علوم عقلی زمانه نفوذشان در سطوح مختلف علمی و اجتماعی زیاد می‌شده و از مجامع خاص علمی به عموم دانشمندان و اهل علم سرازیر می‌شده است. می‌توان گفت بزرگترین فیلسوف نظام ساز و دستگاه ساز زمانه ابن سینا بود و بعد از او هیچ کس قدرت نداشت نظام منسجمی بر اساس اصول و علوم زمانه عرضه کند.

قسم دیگر از آثار شیخ آثار مکاتبه‌ای او است؛ ایشان اولین کسی است که اقدام به مرآده فلسفه در قالب مکاتبه کرده است. بعدها این سنت از طریق خواجه نصیر و دیگران ادامه پیدا کرد. ابن سینا با اهل علم زمانه خودش مرآده فکری داشت، آثار آنها را می‌خواند، علیه آنها موضع می‌گرفت. یکی از مهمترین مواردش سوال و جواب‌های ابن سینا با ابوریحان یا ابوسعید است و در تمام این نوشته‌ها نکته است. قسم دیگر از آثار شیخ رساله‌هایی است که در موضوعات متعدد نوشته است.

یکی از نکات مهم درباره این آثار این است که ایشان با نوشتن این آثار زبان فلسفی جدیدی خلق می‌کند که در آثار فلسفی بعد از او اثرگذار است و خیلی‌ها خواستند از روش او تقلید کنند و الگو بگیرند. سه دوره فکری ابن سینا

در مجموع می‌توان گفت تاریخ تفکر ابن سینا سه دوره را پشت سر گذاشته است؛ دوره اول که آثار ارسطو را به بیان خودش شرح و بسط می‌دهد. در دوره میانه که شروع به نگارش آثاری با نظر نقدی و تحلیلی می‌کند. دوره اخیر که بنیان گذاشتن نظام فلسفی خاص خودش است و اوج این نظام فلسفی در کتاب اشارات است و کسی بعد از ابن سینا نتوانسته از کتاب اشارات تقلید کند.

یک نکته دیگر درباره او این است که ابن سینا اولین فیلسوفی است که تفسیر قرآن نوشته و این تفسیرها را بر اساس فکر فلسفی نوشته است. اساساً مهمترین چیز در نظر ابن سینا «عقلانی بودن» بوده است. هر چیزی به ظاهر خارج از عقل به نظر بیاید تا جایی که بشود توجیه عقلانی برایش پیدا کرد، شیخ سعی می کند توضیح عقلانی از آن عرضه کند. در راس این چیزها همین متون دینی است. وقتی شما قرآن را باز می کنید به سبک کتب متعارف نیست و روش خود را دارد. شیخ وقتی با این چیزها مواجه می شود می خواهد اینها را در صورتی بفهمد که بتوان از آن توضیح عقلانی ارائه کرد.

ایشان دو تا از سوره های پایانی قرآن که به ظاهر هیچ بحث فلسفی در آنها نیست را تفسیر فلسفی می کند. آیه نور به حسب ظاهر درباره خدا بحث می کند ولی شیخ این آیه را که درباره خدا است در قالب نفس شناسی انسانی قرار می دهد. جاهایی هم هست که آیات قرآن صریح است و نیاز به تاویل عرفانی ندارد ولی جاهایی که به حسب ظاهر دارد با نشانه هایی حرف می زند شیخ آنها را در مباحث عقلانی می برد و به ما عرضه می کند.